

فصلنامه سیاست خارجی
سال سی و یکم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، صص ۱۵۷-۱۸۶

۶

بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین از منظر حقوق بین الملل

مصطفی خرمی^۱

^۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی | xurrami@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۵ | تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۲/۲۵

چکیده

پژوهش حاضر بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین را در چارچوب حقوق مخاصمات مسلحانه بررسی و تحلیل می‌کند. این مقاله ابتدا مشروعیت یا غیر قانونی بودن مجرد استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین را مورد تحلیل قرار داده و سپس به بررسی اصل تفکیک و قواعد حقوقی آن در مورد این هواپیماها می‌پردازد. بررسی حقوق بین‌الملل و رویه دولت‌ها نشان می‌دهد که به طور کلی استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در مخاصمات با مانعی مواجه نیست. از آنجا که هواپیماهای بدون سرنشین وسیله هستند نه سلاح، مقررات ناظر بر کنترل تسلیحات بر آنها اعمال نمی‌شود؛ در نتیجه در مضمون حقوق مخاصمات، این هواپیماها به عنوان وسیله یا در راستای روش جنگی به کار گرفته می‌شوند که بکارگیری آنها بایستی منطبق بر اصل تفکیک باشد. در مورد این بحث که آیا هر استفاده‌ای از این هواپیماها مطابق مقررات حقوق بین‌الملل بشر دوستانه می‌باشد یا خیر، به طور مطلق نمی‌توان حکمی تعیین کرد، بلکه بستگی دارد به این که هواپیما با چه توانایی و در چه موقعیتی بکار گرفته می‌شود. برای بررسی مسائل مذکور رویکرد نظری این مقاله مبتنی بر نظریه حقوق وضعی جدید یا اثبات‌گرایی نوین^۱ است.

▪ واژگان کلیدی:

اصل تفکیک، حقوق بشر دوستانه، حقوق مخاصمات مسلحانه، هواپیمای بدون سرنشین.

^۱ - Neo Positivism

مقدمه

بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین نقش مهمی در توفیق تاکتیک‌ها و استراتژی‌های نظامی ایفا کرده است (McDaid and Oliver, 1997: 49-53). در حال حاضر کاربرد سیستم‌های بدون سرنشین در عملیات نظامی ارتش‌های پیشرفته دنیا در کنار سایر هواپیماهای جنگنده بمب افکن معمول است (شکوهی و عندلیبی، ۱۳۹۱: ۱۴). بر اساس یک گزارش تعداد کشورهایی که از هواپیماهای بدون سرنشین استفاده می‌کنند از حدود ۴۱ کشور در سال ۲۰۰۴ به حداقل ۷۶ کشور در سال ۲۰۱۲ رسیده است (UK, House of Commons, 2013: 3). مهمترین مزیتی که یک هواپیمای بدون سرنشین دارد این است که خطر از دست دادن خلبان از بین می‌رود. در حالی که از دست دادن یک خلبان، جبران نشدنی است (McDaid and Oliver, 1997: 8)، ارزش یک هواپیمای بدون سرنشین نوع مسلح پریداتور^۱ تنها بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون دلار است. این رقم حتی به لحاظ مادی در برابر هزینه ساخت یک هواپیمای فانتوم (F-22) که ۴۱۲ میلیون دلار است، ناچیز است (Lewis, 2012: 296). به همین دلایل دولت‌ها تمایل بسیاری در بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین دارند. از این رو شناخت درستی از قواعد حقوقی ناظر بر بکارگیری این هواپیماها در حقوق بین الملل مخصصات مسلحانه ضروری است.

هر بررسی حقوقی درباره استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین بایستی با توجه به کاربرد خود این هواپیماها صورت بگیرد. به عنوان مثال، اگر با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین بمباران شیمیایی رخ داد یا سلاح‌های آتش‌زا با استفاده از این هواپیماها پرتاب شد، نمی‌توان این اعمال را در چارچوب مشروعیت استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین بررسی و تحلیل کرد؛ زیرا ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی و سلاح‌های آتش‌زا، خود بحث مستقلی در حقوق بین الملل است و ارتباطی به این ندارد که اعمال یاد شده به وسیله توپ، تانک، یا هر وسیله دیگری از جمله هواپیماهای بدون سرنشین صورت بگیرد.

^۱ - Predator

لیکن چنانچه به وسیله هواپیماهای بدون سرنشین به دلیل رعایت نکردن اصولی از قبیل اصل تفکیک، حمله‌ای منجر به صدمه شدید به جسم یا سلامت روحی گردد، این اقدام را به این دلیل می‌توان در چارچوب مسائل هواپیماهای بدون سرنشین بررسی کرد که فقط بکارگیری آنها منجر به این صدمات شده است. بنابر این، آن چیزی برای مشروعیت یا عدم مشروعیت استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین مسئله است که اختصاصاً معلول بکارگیری این هواپیماها باشد. از نظر سلبی برای روشن شدن بحث می‌توان گفت به گونه‌ای که اگر در قضیه‌ای هواپیمای بدون سرنشین بکار گرفته نمی‌شد، اقدامی مغایر با موازین حقوق بین‌الملل روی نمی‌داد.

سؤالات پژوهش: با توجه به اینکه هواپیماهای بدون سرنشین، از راه دور هدایت می‌شوند و در میدان نبرد خلبانی وجود ندارد که مستقیماً ناظر بر اوضاع و احوال باشد و همچنین مسئله مهم رعایت اصل تفکیک میان مبارزان و غیر مبارزان توسط این هواپیماها سؤالات زیر مطرح و بررسی شده است:

- آیا وضع منحصر به فردی وجود دارد که بتوان هر نوع استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین را در همه شرایط یا بعضی شرایط ممنوع دانست؟
- با توجه به نوع عملیات این هواپیماها آیا می‌توان از توسل به وسایل و شیوه‌های خائنانه جنگی سخن گفت؟
- در راستای رعایت اصل تفکیک، بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین مطابق با اصول حقوق بین‌الملل بشر دوستانه است یا خیر؟

روش تحلیل: روش تحلیلی این پژوهش برای پاسخ به سوالات مذکور روش استدلال

منطقی، یعنی روش استقرایی و روش استنتاجی است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴: ۱۳-۸).

رویکرد نظری: رویکرد نظری این مقاله مبتنی بر نظریه حقوق وضعی جدید یا اثبات

گرایی نوین است. بر اساس این مکتب حقوق بین‌الملل بدون موافقت دولت‌ها نمی‌تواند اعتبار و آمریتی داشته باشد، بنابر این در تنظیم یک قاعده حقوق بین‌الملل باید موافقت صریح دولت‌ها اساس و مبنای آن باشد، زیرا حاکمیت دولت‌ها مقدم بر حقوق بین‌الملل است (موسی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۳). از این رو در شناسایی یک قاعده به عنوان قاعده یحقوق

بین‌الملل، بایستی سؤال شود که «آیا دولت‌ها این قاعده را به عنوان یک قاعده مرسوم در حقوق بین‌الملل قبول دارند یا خیر؟» (اکهورست، ۱۳۷۶: ۵). لذا اثبات‌گرایی دیدگاهی غیر هنجاری است که تأکید آن بر معیارهای رسمی و تضمین‌های عملی قواعد حقوقی است. از منظر حقوق‌دانان اثباتی، حقوق بین‌الملل شامل قواعدی است که دولت‌ها از طریق معاهدات، عرف و سایر اشکال، رضایت خود را نسبت به آن‌ها اعلام داشته‌اند (کازمی، ۱۳۹۴: ۸۹).

۱- بررسی مشروعیت استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در چارچوب قواعد ناظر بر بکارگیری وسایل و شیوه‌های جنگی^۱

حقوق مخاصمات مسلحانه رشته‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی است که قواعدی همچون تبیین مفهوم حقوقی جنگ، اقدامات مقابله به مثل مسلحانه، قواعد ناظر بر آغاز و پایان جنگ، قواعد ناظر بر تعیین عرصه مخاصمات، قواعدی که به نوعی اجازه استفاده از وسایل، شیوه‌ها و سلاح‌هایی را که در جنگ‌ها مجاز می‌باشد، قواعد ناظر بر غنایم جنگی، حقوق بی‌طرفی و در نهایت حقوق بشر دوستانه را شامل می‌شود. بنابر این حقوق مخاصمات مسلحانه اعم از حقوق بشر دوستانه - که ناظر بر حمایت از حقوق افراد انسانی و تکالیف آنها در مخاصمات است - می‌باشد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۲۷). هر چند توسل به زور در نظام ملل متحد ممنوع است و ممکن است در آغاز چنین برداشت شود که نیازی به تدوین مقررات ناظر بر درگیری‌های مسلحانه نباشد، لکن با وجود تحریم توسل به زور به عنوان یک قاعده آمره بین‌المللی، با نگاه واقع‌گرایانه به روابط بین‌الملل مشخص می‌شود که در روابط میان دولت‌ها همیشه حالت صلح استقرار ندارد. فقدان مشروعیت توسل غیرقانونی به زور موجب این نمی‌شود که ضرورتی برای تنظیم روابط دول متخاصم احساس نشود؛ از این رو از وجود مقررات راجع به تحدید آزادی عمل دولت‌ها در هنگام نقض صلح‌گریزی نیست. در مورد هواپیماهای بدون سرنشین، از یک سو با توجه به این که این وسایل از راه دور هدایت می‌شوند و در صحنه نبرد خلبان حضور ندارند و از سوی دیگر

^۱- Means of Warfare

توجه به محدودیت‌های این هواپیماها، تفاوت در سطح استانداردها و توانایی‌های آنها، موجب طرح این سؤال می‌شود که در چه شرایطی استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه مجاز یا ممنوع است.

بر اساس ماده (۲۲) مقررات منضم به کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷، در خصوص قوانین و عرف‌های جنگ زمینی (H.IV.R, 1907) «حق طرف‌های متحارب در اتخاذ وسایل برای ایراد آسیب به دشمن نامحدود نیست». مشابه همین مقرر در بند (۱) ماده (۳۵) پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به عهدنامه‌های ۱۹۴۹ ژنو (AP I, 1977) تکرار شده است: «در هر درگیری مسلحانه، حق طرف‌های درگیر در انتخاب روش‌ها یا ابزارهای جنگی نامحدود نیست». همچنین بر اساس قاعده (۷۰) حقوق بین‌المللی بشر دوستانه عرفی «استفاده از ابزارها و روش‌های جنگی که از ماهیتی برخوردارند که باعث ورود آسیب بیش از اندازه و یا درد و رنج غیر ضروری می‌شوند، ممنوع می‌باشد» (هنکرتز و دوسوالد بک، ۱۳۸۷: ۳۶۴). چنانچه ملاحظه می‌شود بر اساس حقوق بین‌الملل قراردادی و عرفی، دولت‌ها نمی‌توانند در مخاصمات، برای هزیمت نیروهای طرف دیگر هر وسیله‌ای را بکار گیرند یا به هر روشی متوسل شوند. ممنوعیت استفاده از ابزار یا روش‌های جنگی که ماهیتاً موجب ایراد صدمه شدید و غیر ضروری هستند، در واقع یک قاعده محسوب می‌گردد که در معاهدات بین‌المللی، قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی، دستور العمل‌های نظامی، قوانین داخلی بسیاری از کشورها و رویه‌های قضایی درج و مورد استناد قرار گرفته است (هنکرتز و دوسوالد بک، ۱۳۸۷: ۳۶۷-۳۶۴). این بخش از پژوهش به این می‌پردازد که آیا استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین هم به عنوان یک روش جنگی و هم به عنوان یک ابزار، می‌تواند سبب ایراد صدمه شدید و غیر ضروری شود یا خیر. به عبارت دیگر، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین با قاعده یاد شده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شیوه‌های نبرد متفاوت از وسایل نبرد است. شیوه‌های نبرد، حملات و سایر فعالیت‌های طراحی شده‌ای است که بر عملیات نظامی یا استعداد نظامی^۱ دشمن تاثیر منفی می‌گذارد. در

^۱- Military Capacity

اصطلاح نظامی، روش‌های جنگی شامل مقوله‌های کلی متعدد عملیات‌ها، از قبیل بمباران^۱، به علاوه تدابیر خاص استفاده شده برای حمله، از قبیل بمباران از ارتفاع بالا می‌شود. در مضمون حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه، «روش‌های جنگی» عطف به این دارد که حمله و دیگر اقدامات مخاصمه‌آمیز، چگونه هدایت می‌شود، در حالی که «ابزار جنگی» وسیله‌ای است که برای اعمال روش جنگی به کار می‌رود (Commentary on the HPCR Manual, 2010: 43-44). منظور از وسایل نبرد تسلیحاتی است که در درگیری‌های مسلحانه به کار می‌رود و مراد از شیوه‌های نبرد نحوه استفاده از وسایل نبرد است. بر این اساس آنچه از مصادیق وسایل نبرد شمرده شده در واقع بررسی تسلیحات و بمب‌ها - مانند گلوله‌های انفجاری، گلوله‌های افشان، مین‌های ضد نفر، سلاح‌های شیمیایی، سلاح‌های آتش‌زا، سلاح‌های بیولوژیک و هسته‌ای - بوده است (رک: ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۲۴۳-۲۰۳). لیکن مفهوم ابزارها یا وسایل جنگی مفهومی نیست که تنها بر بمب‌ها ناظر باشد؛ بلکه اتفاقاً مفهوم ابزار یا وسیله^۲ اعم از تسلیحات بوده و شامل سکوها یا سیستم‌های تسلیحاتی^۳ از قبیل بمب‌ها، موشک‌ها، راکت‌ها و هواپیماهایی که در یک حمله به کار می‌رود نیز می‌شود (Commentary on the HPCR Manual, 2010: 41-42). به نظر می‌رسد، مشکل در تنیده شدن دو مفهوم سلاح و وسیله با یکدیگر باشد. در بعضی آثار حقوقی نیز، این دو مفهوم به یک معنا نیز به کار برده شده است؛ به عنوان مثال، از نظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سلاح‌های نیزه مانند با نوک تیغ دار، سرنیزه با لبه‌های برگشته، گلوله‌های منبسط شونده، گلوله‌های انفجاری، سم و سلاح‌های سمی و شیمیایی از جمله سلاح‌هایی است که در رویه به عنوان ابزاری که در صورت استفاده در یک موقعیت معین یا در تمام شرایط باعث ایجاد صدمات غیرضروری می‌شوند، عنوان شده‌اند (هنکرتز و دوسوالد بک، ۱۳۸۷: ۳۷۳-۳۷۴). این در حالی است که سرنیزه ماهیت متفاوتی از بمب شیمیایی دارد و نمی‌توان هر دو را از یک سنخ تلقی کرد. ممکن است به همین دلیل باشد که نظر کمیته بر این است که استفاده از سلاح‌های مزبور ممکن است در یک موقعیت معین (مثل سر نیزه) یا در تمام

^۱- Bombing

^۲- Means

^۳- Weapon Systems or Platforms

شرایط (مثل بمب شیمیایی) باعث ایجاد صدمات غیر ضروری شود.

بحث مناقشه‌آمیز که علاوه بر ثمره نظری، فایده کاربردی نیز دارد این است که هواپیماهای بدون سرنشین سلاح تلقی می‌شود یا یک وسیله؟ برای پاسخ به این سؤال، می‌توان از دو روش، یکی روش استنتاجی حقوق بین‌الملل، و دیگر توسل به قیاس به عنوان یکی از مبانی استنباط احکام حقوقی استفاده کرد. ثمره ی عملی اینکه هواپیمای بدون سرنشین، وسیله تلقی شود این است که نمی‌توان ممنوعیت ناظر بر رژیم کنترل تسلیحات را بر آن مترتب کرد.

برخی از محققان (آرمایی، ۱۳۸۷) معتقدند از نظر بین‌المللی خطراتی که پهپادهای رزمی و غیر رزمی و فناوری آنها ایجاد می‌کنند برابر با تولید سلاح‌های کشتار جمعی می‌باشد. این سامانه‌ها و فناوری‌های همراه آنها تحت پوشش پیمان کنترل فناوری موشکی قرار دارد. پهپادهای بزرگ و پهپادهای واقعاً رزمی از حدود توافقنامه پیمان کنترل فناوری موشکی تجاوز می‌کنند. این پیمان صادرات هر نوع هواپیمای کامل را که بتوان از آن به عنوان حامل سلاح‌های کشتار جمعی استفاده کرد منع می‌کند. پیمان مذکور، در صورتی که پهپادها توانایی حمل بیش از ۵۰۰ کیلوگرم بار و برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر، یا حتی فقط برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر صرف نظر از ظرفیت بار، را داشته باشند در بر می‌گیرد (آرمایی، ۱۳۸۷: ۱۶۰-۱۵۹). قطع نظر از درستی یا نادرستی استدلال مذکور، باید گفت رژیم کنترل فناوری موشکی که ۳۴ دولت عضو آن هستند، فقط یک مشارکت غیر معاهده‌ای غیر رسمی از دولت‌هایی است که در منع گسترش موشک‌ها، وسایل هوایی بدون سرنشین و فناوری‌های مرتبط، منافع مشترکی دارند. هدف این رژیم محدود کردن خطر گسترش سلاح‌های کشتار جمعی (مانند سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی) است که می‌تواند در سیستم‌های ارسال (به غیر از هواپیماهای سرنشین دار) این سلاح‌ها مؤثر باشد (Missile Technology Control Regime, 1987).

بررسی و مطالعه معاهدات بین‌المللی راجع به حقوق مخاصمات مسلحانه نیز مؤید این دیدگاه است که هواپیماهای بدون سرنشین، یک وسیله و جنگ افزار تلقی می‌شود. در اسناد و معاهدات بین‌المللی ناظر بر حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و هدایت مخاصمات، اصطلاح

«سلاح» منصرف از وسیله‌ای است که بکارگرفته می‌شود. به عنوان مثال، ماده ۵ عهدنامه یمبروط به تحریم سلاح‌های هسته‌ای در آمریکای لاتین مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۷ در ادامه تعریف سلاح هسته‌ای مقرر می‌دارد: «... البته وسیله‌ای که برای حمل یا حرکت سلاح هسته‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، جزو این تعریف نیست، مشروط بر آن که جدا از وسیله باشد و جزء لاینفک سلاح نباشد» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۲۳۴-۲۳۳). همچنین رژیم کنترل تسلیحات در مورد سلاح‌های متعارف وسیله را به عنوان سلاح تلقی نکرده است؛ به عنوان مثال، اعلامیه ۱۸۶۸ سن پترزبورگ (St. Petersburg Declaration, 1868) به عنوان نخستین معاهده مربوط به خلع سلاح، بر ممنوعیت گلوله‌های انفجاری^۱ یا گلوله‌های آتش‌زا^۲ یا گلوله‌های با مواد التهاب‌آور^۳ و اعلامیه ۱۸۹۹ لاهه درباره گلوله‌های پخش شونده (H. Declaration, 1899) بر ممنوعیت گلوله‌های پخش شونده در بدن انسان، تصریح دارند؛ نه بر ممنوعیت وسیله که می‌تواند تفنگ یا مسلسل باشد. همچنین است در مورد سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک که ناظر بر تحریم استفاده از خود سلاح است نه وسیله‌ای که به واسطه آن از سلاح استفاده می‌شود، مگر تجهیزاتی که اختصاصاً برای استفاده مستقیم در ارتباط با کاربرد مهمات شیمیایی کشتار جمعی طراحی شده باشد (CWC, 1993, Art. 2(1)). جالب اینکه قواعد لاهه در خصوص جنگ هوایی، هواپیماها را تنها وسیله تلقی کرده است (H.A.W, 1923). این قواعد هرچند هیچ وقت قدرت اجرایی نیافته است، لیکن بعضی از اصول آن نقش مهمی در توسعه حقوق بین‌الملل عرفی فعلی داشته است (ICRC, 2005: 103). ملاحظه می‌شود که سلاح متمایز از وسیله‌ای است که به کار گرفته می‌شود. به همین ترتیب، در مورد هواپیماهای بدون سرنشین تنها آثار یک وسیله مترتب خواهد بود. بنابر این آثار سلاح بر آن‌ها مترتب نمی‌شود؛ به عنوان مثال، نمی‌توان این هواپیماها را تحت پوشش رژیم کنترل تسلیحات قرار داد.

از آنجا که تفکیک مفهوم سلاح و وسیله همیشه مطلق نیست از یکسو، و از سوی دیگر

^۱- Explosive

^۲- Fulminating

^۳- Inflammable Substances

مقررهای مدون در مورد هواپیماهای بدون سرنشین وجود ندارد که صریحاً آنها را به عنوان سلاح تعیین کرده باشد یا وسیله، می‌توان به قیاس نیز به عنوان یکی از مبانی استنباط حقوق توسل جست. در معاهدات بین‌المللی راجع به حقوق مخصصات سلاح متمایز از وسیله‌ای است که به کار گرفته می‌شود؛ دلیل آن این است که اینگونه رژیم‌های بین‌المللی، ناظر بر وسیله خاصی نیستند بلکه ناظر بر خود سلاح هستند. به عبارت دیگر، تفاوتی ندارد که نقض ممنوعیت‌های موضوع حقوق بشر دوستانه با چه وسیله‌ای - خواه تفنگ، توپ، تانک، هواپیما یا استفاده از سکوی موشکی - صورت گیرد. آنچه که علت مشترک یا «جامع» بین وسایل نامبرده است این است که همه آنها یک وسیله هستند که حسب مورد در یک درگیری از آنها استفاده می‌شود. یک هواپیمای بدون سرنشین، وسیله‌ای است که مانند هواپیماهای عادی، توپ، تانک و... بسته به توانایی و مزیتی که دارد در درگیری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و این «جامع» بین هواپیمای بدون سرنشین با سایر وسایل است. در نتیجه به همان نسبت که تفنگ، توپ، تانک و یک هواپیمای عادی، یک وسیله تلقی می‌شود، هواپیمای بدون سرنشین هم وسیله تلقی می‌گردد.

اگرچه در مورد ممنوعیت این قاعده که استفاده از جنگ افزارهایی که باعث صدمات شدید یا رنج و ناراحتی غیر ضروری می‌شوند توافق کلی وجود دارد، اما در مورد اینکه چه سلاح یا وسیله‌ای می‌تواند صدمات شدید یا رنج غیر ضروری وارد کند، توافقی وجود ندارد. دولت‌های بسیاری توافق دارند که ایجاد صدمه و آسیب در مواردی که هدف نظامی در کار نیست ناقض این قاعده است و از سوی دیگر صدمه و رنجی که با هدف و مزیت نظامی مورد نظر متناسب نباشد این قاعده را نقض می‌کند (هنکرتز و دوسوالد بک، ۱۳۸۷: ۳۶۹-۳۶۸). به نظر می‌رسد مهمترین عاملی که در تعیین اینکه یک سلاح یا وسیله صدمات شدید یا رنج غیر ضروری وارد می‌کند حتمی بودن ایجاد خطر یا خوف آن برای حیات انسان است. اینکه آیا استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، وسیله‌ای است که ماهیتاً یا در بعضی شرایط منجر به ایجاد صدمات شدید یا رنج غیر ضروری می‌شود یا نه، مستلزم تطبیق توانایی‌ها و محدودیت‌های این هواپیماها با اصل تفکیک است که در گفتار بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- لزوم رعایت اصل تفکیک در بکارگیری هواپیماهای بدون سرنشین

بر اساس تقسیم بندی کمیته بین المللی صلیب سرخ، رعایت اصل تفکیک، مستلزم (۱) تفکیک بین غیر نظامیان و رزمندگان؛ (۲) تفکیک بین اموال نظامی و اهداف غیر نظامی؛ (۳) منع حملات کورکورانه؛ (۴) تناسب در حمله؛ (۵) اقدامات احتیاطی در حمله؛ و (۶) اقدامات احتیاطی در برابر اثرات حمله است (هنکرتز و دوسوالد بک، ۱۳۸۷: ۱۶۰-۶۱).
به جهت رعایت اختصار، آنچه مبنای این بررسی قرار می‌گیرد، (۱) تفکیک میان اهداف نظامی و غیر نظامی (تجمیع تفکیک بین غیر نظامیان و رزمندگان، و تفکیک بین اموال نظامی و اهداف غیر نظامی)، (۲) منع حملات کورکورانه، (۳) تناسب در حمله و (۴) اقدامات احتیاطی (تجمیع اقدامات احتیاطی در حمله و اقدامات احتیاطی در برابر اثرات حمله) است. این قسمت از مقاله، به بررسی اصول یاد شده می‌پردازد که آیا واقعاً بر اساس اصول یاد شده کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین جنگنده ممنوع است یا خیر.^۱ آنچه در این بررسی ملحوظ قرار گرفته است، قواعد حقوق بین الملل و رویه دولت‌ها که شامل نظامنامه‌های حقوق نظامی، رویه‌ها و تصمیمات اجرایی، اظهارات دولت‌ها بر پیش نویس اسناد بین‌المللی، رویه‌های نهادهای بین‌المللی و آراء قضایی می‌شود. در خصوص اینکه این منابع جزء عرف بین‌المللی محسوب می‌شود یا خیر، باید گفت چنین منابعی، جزء منابع مادی^۲ عرف طبقه بندی می‌شوند، در نتیجه ارزش آنها گوناگون بوده و بستگی به اوضاع و احوال^۳

^۱ - بی‌مناسبت نیست اشاره شود که برخی معتقدند که غیر از مقررات عام - یعنی کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو در مورد هواپیمایی بین‌المللی کشوری و قواعد آمره حقوق بین‌الملل عرفی مثل اصل احترام به حاکمیت و تمامیت سرزمینی دولت‌ها - مقررات خاصی که وضعیت مشروعیت یا ممنوعیت هواپیماهای بدون سرنشین را در زمان درگیری‌های مسلحانه مشخص کند وجود ندارد. با این حال با استفاده از اصول بنیادین حقوق بشر دوستانه از جمله اصل تفکیک، اصل تناسب، اصل ممنوعیت حملات کورکورانه و اصل رعایت احتیاط در حمله می‌توان به ممنوعیت کاربرد این هواپیماها مخصوصاً هواپیماهای بدون سرنشین مسلح، پی برد. ضمناً اینکه هیچ ضرورت نظامی (حتی مبرم) نمی‌تواند استفاده از این هواپیماها را در درگیری‌های مسلحانه توجیه کند. (رک: ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۲۶۴)

^۲ - Material Sources

^۳ - Circumstances

دارد (Brownlie, 2003: 6).

۱-۲- تفکیک میان اهداف نظامی و غیر نظامی

از نظر حقوق مخاصمات مسلحانه، تفکیک میان مبارزان و غیر مبارزان و اهداف نظامی و غیر نظامی ضروری و لازم است. اصل تفکیک میان افراد غیر نظامی و رزمندگان، نخستین بار در اعلامیه سن پترزبورگ (St. Petersburg Declaration, 1868) درج گشته که به موجب آن «تنها هدف مشروع که دولت‌ها باید کوشش کنند در خلال جنگ به آن برسند، تضعیف نیروهای نظامی دشمن است». در پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به عهدنامه‌های ۱۹۴۹ ژنو، قاعده عرفی اصل تفکیک، بدون هیچ گونه تحفظ یا حق شرطی پذیرفته شده است (هنکرتز و دوسوالد بک، ۱۳۸۷: ۶۳). بر اساس این اصل، دولت‌ها متعهد شده‌اند «... به هنگام جنگ، میان جمعیت غیر نظامی و مبارزان و میان اهداف غیر نظامی و اهداف نظامی تفکیک^۱ قائل شوند و عملیاتشان تنها علیه اهداف نظامی باید هدایت شود» (API, 1977, Art. 48 [see: Art. 51(2) and Art. 52(2)]). تعریف پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ از جمله عبارت است از: «حملات به معنی اقدامات خشونت آمیز علیه دشمن، خواه در یورش^۲ یا دفاع^۳» (API, 1977, Art. 49(1)). بنابر این رعایت اصل تفکیک، حتی در مقام دفاع نیز الزامی است. رعایت اصل تفکیک، در قاعده (۱) حقوق بین‌المللی بشر دوستانه عرفی، در معاهدات و دستورالعمل‌های نظامی بسیاری نیز گنجانده شده است که نشان از عرفی بودن این اصل دارد.

تنها مصداقی از رعایت اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیر نظامی که در استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، می‌تواند مصداق داشته باشد، قاعده (۲) از مجموعه قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی است که مقرر می‌دارد «اقدامات یا تهدیدهای خشونت‌آمیزی که هدف اولیه آن گسترش ترس در میان جمعیت غیرنظامی باشد، ممنوع است» (هنکرتز و

^۱- Distinguish

^۲- Offence

^۳- Defence

دوسوالد بک، ۱۳۸۷: ۶۹). این ممنوعیت در پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ و سایر اسناد بین‌المللی درج گردیده است (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 67-75). بند (۲) ماده (۵۱) پروتکل مقرر می‌دارد: «... اقدامات یا تهدیدات خشونت‌آمیز که هدف اولیه آن گسترش وحشت میان جمعیت غیر نظامی باشد، ممنوع است» (AP I, 1977). این ماده اطلاق دارد و بنابر این هر اقدامی که منجر به وحشت جمعیت غیر نظامی شود، ممنوع است. برای اعمال خشونت آمیز موجد وحشت، مصادیقی مانند بمباران هوایی به منظور وحشت^۱ جمعیت غیر نظامی (H.A.W, 1923, Art. 22) و اربعاب سیستماتیک قومی^۲ از طریق گلوله باران کورکورانه و گسترده^۳ (UN.GA/RES/53/164) می‌توان نام برد. گلوله باران کورکورانه در بخش بعدی همین نوشتار بررسی می‌شود. لیکن وحشت در جمعیت غیر نظامی به هر طریقی ممکن است صورت گیرد و صرفاً ارتباط با وسیله یا سلاح خاص ندارد. به نظر می‌رسد یکی از مصادیق ایجاد اربعاب در بین جمعیت غیر نظامی، شکستن دیوار صوتی می‌تواند باشد. سرعت هواپیماهای بدون سرنشین پایین است؛ حتی هواپیماهای بدون سرنشین «اونجر»^۴ که با موتور جت کار می‌کنند و اخیراً توسط نیروی هوایی آمریکا ابتیاع شده‌اند تنها سرعتی حدود ۴۶۰ مایل در ساعت دارند (Lewis, 2012: 298). این بدین معنی است که در حال حاضر امکان شکستن دیوار صوتی توسط هواپیماهای بدون سرنشین وجود ندارد و از این نظر، رعبی ایجاد نمی‌شود؛ لیکن نحوه استفاده از هواپیماهای مذکور و پیشرفت فن آوری‌های آن می‌تواند ایجاد رعب نماید.

۲-۲- منع حملات کورکورانه

مطابق قاعده (۱۱) از قواعد حقوق بین‌المللی بشر دوستانه عرفی «حملات کورکورانه و بدون تفکیک ممنوع است» (هنکرتز و دوسوالد بک، ۱۳۸۷: ۱۰۹). مطابق قاعده (۱۲) از قواعد حقوق بین‌المللی بشر دوستانه عرفی و بند (۴) ماده (۵۱) پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷، حملات

^۱- Terrorizing

^۲- Systematic Terrorization of Ethnic

^۳- Indiscriminate and Widespread Shelling

^۴- Avenger

بدون تفکیک حملاتی هستند که (الف) متوجه هدف نظامی خاصی نیستند؛ (ب) از روش‌ها یا وسایل جنگی خاصی استفاده می‌کنند که امکان هدف‌گیری به سوی هدف نظامی مشخصی را برآورد نمی‌کنند؛ یا (ج) از روش‌ها یا وسایل جنگی‌ای استفاده می‌کنند که امکان محدودیت اثر استفاده از آنها، به نحوی که در مقررات حقوق بین‌الملل بشر دوستانه مقرر شده است، وجود ندارد و در نتیجه در هر مورد نوعاً به گونه‌ای هستند که بدون تفکیک، به هدف‌های نظامی و غیر نظامی اصابت می‌کنند (AP I, 1977, Art. 51(4)). رویه دولت‌ها هر دو قاعده را به منزله قاعده‌ای عرفی حقوق بین‌الملل قابل اعمال می‌داند (هنکرتز و دوسوالد بک، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

قاعده (ج) ۱۲ مبتنی بر این بحث منطقی است که روش‌ها و ابزارهایی که آثار آن قابل تحدید نباشد، به موجب الزامات حقوق بشردوستانه ممنوع است؛ اما این سؤال باقی می‌ماند که به موجب کدام محدودیت‌ها؟ در این رابطه رویه به سلاحی اشاره دارد که آثار آن در محدوده زمان و مکان غیر قابل کنترل است و احتمال دارد که بدون ایجاد تفکیک به هدف‌های نظامی و اموال غیر نظامی اصابت کند. در جزوه نیروی هوایی آمریکا از مثال سلاح‌های بیولوژیک سخن به میان آمده است (هنکرتز و دوسوالد بک، ۱۳۸۷: ۱۱۸-۱۱۷). قاعده منع حملات کورکورانه، ناظر به ممنوعیت وسایل یا تسلیحاتی است که ماهیتاً بدون تفکیک عمل می‌کنند. بر اساس قاعده (۷۱)، «استفاده از سلاح‌هایی که به دلیل ماهیت شان بدون تفکیک عمل می‌کنند، ممنوع است» (هنکرتز و دوسوالد بک، ۱۳۸۷: ۳۷۴). بند (۴) ماده (۵۱) پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷، استفاده از ابزارها یا روش‌هایی که ماهیتاً نمی‌تواند بین اهداف نظامی و غیر نظامی تفکیک قائل شود را ممنوع دانسته است. این ممنوعیت در سایر اسناد بین‌المللی نیز درج شده است (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 1554-1560). با توجه به مقررات و رویه دولت‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که در هیچ سندی هواپیماهای بدون سرنشین به عنوان یک وسیله‌ای که کورکورانه عمل کند، اشاره‌ای نشده است. لیکن، از آنجا که استانداردها و نحوه کنترل هواپیماهای بدون سرنشین با یکدیگر متفاوت است، می‌توان تطبیق قواعد حقوق بین‌الملل را بر آنها بررسی کرد.

هواپیماهای بدون سرنشین با سه شیوه کنترل که امکان تلفیق نیز وجود دارد، به پرواز در می‌آیند. یکی روش از پیش برنامه‌ریزی شده که هواپیما به صورت خودکار بر طبق

یک طرح پرواز از پیش برنامه‌ریزی شده پرواز می‌کند؛ این روش انعطاف‌پذیری ندارد و به محض بلند شدن، هواپیما یک راه مشخص و ثابت را دنبال می‌کند و اصطلاحاً هواپیما قادر به تجدید نظر در کارهای خود نیست. دوم، روش کنترل از راه دور که از طریق امواج رادیویی، اطلاعات پرواز از هواپیما به اپراتور می‌رسد و وی دستورات را به هواپیما منتقل می‌کند. سوم، شیوه خود مختاری که هواپیما با یک نوع سیستم هوش مصنوعی پویا (دینامیک) به پرواز در می‌آید مثل عکس العمل در مقابل تهدیداتی چون شلیک موشک توسط پدافند هوایی. بر اساس یافته‌ها، نسل جدید هواپیماهای بدون سرنشین دیگر نیاز به حضور انسان برای کنترل و هدایت ندارند، بلکه خود قادر به بلند شدن، پرواز کردن و انتخاب هدف هستند (شکوهی و عندلیبی، ۱۳۹۱: ۲۰-۱۶ و نیز آرمایی، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

اگرچه قاعده منع حملات کورکورانه مورد معارضه قرار نگرفته است، اما عقاید در این زمینه که آیا این قاعده به خودی خود باعث می‌شود که سلاحی غیر قانونی به شمار رود یا اینکه این سلاح فقط در صورتی غیر قانونی محسوب می‌گردد که استفاده از آن به موجب معاهده‌ای خاص یا قاعده‌ای عرفی ممنوع شده باشد، متفاوت است. از نظر برخی دولت‌ها، برخی از سلاح‌ها بر اساس این قاعده از پیش ممنوع بوده و برخی دیگر مستلزم برقراری ممنوعیت خاص در این زمینه هستند (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 1562-1575). به عنوان مثال، از نظر دولت کانادا تعریف حمله کورکورانه^۱ در بند (۴) ماده (۵۱) پروتکل اول الحاقی، به این معنی نیست که ابزارهای جنگی‌ای وجود دارد که در همه شرایط حمله کورکورانه انجام می‌دهند؛ بلکه این تعریف، اوضاع و احوال را لحاظ می‌کند. به عنوان مثال بند (۵) ماده (۵۱)، مشروعیت استفاده از ابزارهای جنگی را تعیین می‌کند (Official Records of Diplomatic Conference on the Reaffirmation and Development of the International Humanitarian Law Applicable in Armed Conflicts, 1978: 179). به موجب بند (۵) ماده (۵۱) پروتکل ۱۹۷۷ الحاقی (AP I, 1977)، حمله به وسیله بمباران، با هر روش یا ابزاری که اهداف نظامی به وضوح از هم جدا و متمایز واقع در شهر، شهرک، روستا یا منطقه دیگری که در بر دارد افراد غیر نظامی را به عنوان یک هدف واحد نظامی

^۱- Indiscriminate Attack

تلقی کند، یا حمله‌ای که از آن انتظار می‌رود باعث تلفات غیر نظامیان، جراحت به غیر نظامیان، خسارت به اهداف غیر نظامی، یا ترکیبی از این موارد گردد، که می‌تواند بیش از اندازه در رابطه با مزیت یکپارچه^۱ و مستقیم نظامی پیش بینی شده باشد، یک حمله کورکورانه تلقی می‌گردد. در هر صورت چنانچه یک هواپیمای بدون سرنشین، از طریق روش از پیش برنامه ریزی شده هدایت شود که قادر به تجدید نظر در کارهای خود نیست، کاربرد آن، نمی‌تواند مطابق با قاعده منع حملات کورکورانه باشد، حتی می‌تواند مصداقی برای ارباب نیز باشد (UN.GA/RES/53/164).

۳-۲- تناسب در حمله^۲

از نظر حقوق بشر دوستانه، شروع به حمله‌ای که از آن انتظار می‌رود باعث تلفات غیر نظامیان، جراحت به غیر نظامیان، خسارت به اهداف غیر نظامی، یا ترکیبی از این موارد گردد، که می‌تواند از مزیت عینی و مستقیم نظامی پیش بینی شده، تجاوز کند، ممنوع است (API, 1977, Art. 51(5)(b) and Art. 57(2)(a)(3)). هنگام تصویب پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی، تعدادی از دولت‌ها از جمله بریتانیا، بلژیک، هلند، فرانسه و کانادا اظهار نظر کرده‌اند که عبارت «مزیت نظامی» به مزیت مورد انتظار از حمله نظامی به طور کلی اشاره دارد و نه فقط به اجزاء خاص حمله که به صورت موردی یا جداگانه صورت می‌گیرد (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 326-327). همچنین از نظر دولت مصر، اصطلاح مزیت نظامی باید به عنوان مزیت نظامی پیش بینی شده به وسیله مرتکب^۳ در جنگ، وقتی که جرایم جنگی مرتکب^۴ می‌شود، نیز تفسیر شود. مزیت نظامی کلی نباید به عنوان مبنایی برای توجیه هدف نهایی جنگ یا سایر اهداف استراتژیک استفاده شود. مزیت پیش بینی شده باید با خسارت وارد شده متناسب باشد (Egypt, Declarations made upon signature of the 1998 ICC Statute, section 4(c)). چنانچه ملاحظه

^۱- Concrete

^۲- Proportionality in Attack

^۳- Perpetrator

^۴- Committed

می‌شود منظور از تناسب در حمله، تناسب میان حمله و آثار آن است؛ نه تناسب به معنای اقدام احتیاطی در گزینش ابزارها یا روش‌های جنگی.^۱ در کلیت امر، تفاوتی ندارد که چه وسیله یا سلاحی اتخاذ شود؛ لیکن به اجزاء خاص حمله که به صورت موردی یا جداگانه صورت می‌گیرد نیز ناظر بوده و در نتیجه باید با خسارت وارد شده متناسب باشد. چنانچه این اصل به وسیله کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین نقض گردد، این نقض ارتباطی با استفاده از این هواپیماها ندارد و بحثی مستقل از آن است.

۴-۲- اتخاذ اقدامات احتیاطی در حمله

در هدایت عملیات نظامی، در راستای اجرای اصل تفکیک، به موجب قاعده ۱۵ از مجموعه قواعد حقوق بین‌المللی بشر دوستانه عرفی دقت ویژه‌ای برای جدا کردن جمعیت غیر نظامی، غیر نظامیان و اموال غیر نظامی باید به عمل آید. و به منظور اجتناب و در هر شرایطی به حداقل رساندن تلفات تصادفی به اهداف غیر نظامی همه اقدامات احتیاطی قابل پیش بینی باید اتخاذ شود (هنکرتز و دوسوالد بک، ۱۳۸۷: ۱۲۷). به همین منظور طبق قاعده ۱۷، هر یک از طرف‌های درگیری باید هر گونه اقدام احتیاطی ممکن را در گزینش ابزارها و روش‌های جنگی به عمل آورند (هنکرتز و دوسوالد بک، ۱۳۸۷: ۱۳۷-۱۳۴). این اصل در بند (۱) ماده (۵۷) پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی نیز گنجانده و هیچ حق شرطی بر آن وارد نشده است؛ به موجب آن «در هدایت عملیات‌های نظامی، در ارتباط با جمعیت غیر نظامی، غیر نظامیان و اهداف غیر نظامی احتیاط دائم باید اتخاذ شود». اتخاذ اقدامات احتیاطی یک اصل عرفی می‌باشد و در اسناد متعدد بین‌المللی و ملی گنجانده شده است (see: Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 337-342).

^۱ طبق قاعده ۱۴ از مجموعه قواعد حقوق بین‌المللی بشر دوستانه عرفی «شروع به حمله‌ای که از آن انتظار می‌رود باعث تلفات غیر نظامیان، آسیب به غیر نظامیان، صدمه به اموال غیر نظامی یا ترکیبی از این موارد گردد ... ممنوع است» (هنکرتز و دوسوالد بک، ۱۳۸۷: ۱۲۱). در حالی که اقدام احتیاطی در گزینش ابزارها یا روش‌های جنگی مربوط به اقدامات احتیاطی در حمله است که در قاعده ۱۷ ذکر شده و به موجب آن «هر یک از طرف‌های درگیری باید هر گونه اقدام احتیاطی ممکن را در گزینش ابزارها و روش‌های جنگی ... به عمل آورند» (هنکرتز و دوسوالد بک، ۱۳۸۷: ۱۳۴).

قابلیت رعایت اقدامات احتیاطی در حمله^۱ به این نحو تفسیر شده که محدود به مواردی است که با در نظر داشتن کلیه شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر زمان حمله ممکن باشد. دولت‌های آلمان، فرانسه، بلژیک، ایتالیا، ایرلند، اسپانیا و کانادا قابلیت را بر اساس ملاحظات نظامی و بشر دوستانه تفسیر کرده‌اند (-Henckaerts and Doswald- see: Beck, 2005: 357-358). بعضی دولت‌ها نیز بیشتر ملاحظات نظامی را در تفسیر عبارت «قابلیت»^۲ لحاظ می‌دانند. به عنوان مثال، دولت الجزایر معتقد است عبارت «قابلیت» باید بدین نحو تفسیر گردد که «تدابیر و اقدامات احتیاطی‌ای قابلیت دارند که در پرتو اوضاع و احوال، اطلاعات و ابزارها قابل دسترسی در زمان باشد» (Algeria, Interpretative) (declarations made upon accession to AP I, section 1 Diplomatic Conference on the Reaffirmation Official Records of the) آمریکا and Development of International Humanitarian Law Applicable in Armed Conflicts, 1978: 241) نیز معتقدند که کلمه «قابلیت» معطوف به عملی بودن یا به لحاظ عملی ممکن بودن^۳، تمام اوضاع و احوال در زمان، از جمله ارتباط با موفقیت عملیات‌های نظامی را، لحاظ می‌کند (UK, Reservations made upon ratification of (AP I to the Geneva Conventions of 12 August 1949, section b). آمریکا نیز موضعی یکسان با بریتانیا داشته و معتقد است در پیش نویس پروتکل ۱۹۷۷، کلمه «قابلیت» معطوف به عملی بودن یا به لحاظ عملی ممکن بودن است که تمام اوضاع و احوال در زمان، از جمله ارتباط با موفقیت عملیات‌های نظامی را، لحاظ می‌کند. نحوه تعامل اپراتورهای یک هواپیمای بدون سرنشین با هواپیمای در حال مأموریت به این ترتیب است که داده‌های مربوط به مأموریت را به یک ماشین تصمیم‌گیر بیرونی (ایستگاه زمینی یا هواپیمای مادر) ارسال و فرمان‌هایی را که آن ماشین ارسال می‌کند، پذیرفته و اجرا می‌کند سپس دستورهای لازم نیز از همین مسیر برای هواپیما ارسال می‌شود (آقاجانی، ۱۳۸۸: ۱۳۱). چنانچه گونه‌های پیشرفته هواپیماهای بدون

^۱- Feasibility of Precautions in Attack

^۲- Feasible

^۳- Practicable or Practically Possible

سرنشین قادر به انتقال اطلاعات در زمان باشند، البته در برخی از پهنادهای مدل (RQ) سامانه‌ای به نام شاخص اهداف متحرک وجود دارد که می‌تواند موقعیت و سرعت اهداف متحرک زمینی را مشخص سازد، حتی اطلاعات را سریع‌تر از ماهواره‌های اطلاعاتی، به مراکز زمینی به طور زنده مخابره کند (شکوهی و عندلیبی، ۱۳۹۱: ۲۰-۱۹)، به نظر می‌رسد شرط عملاً امکان پذیر بودن و قابلیت رعایت اقدامات احتیاطی، در بکارگیری آنها ممکن باشد؛ لکن، هواپیماهای کاملاً خودکار یا هواپیماهایی که نتوانند اطلاعات را در زمان انتقال یا دریافت کنند قابلیت اعمال اقدامات احتیاطی را نداشته و در نتیجه بکارگیری آنها نقض اصل رعایت اقدامات احتیاطی در حمله محسوب می‌گردد.

ممکن است استدلال شود که بر اساس تفسیری که دولتهایی مانند بریتانیا و ایالات متحده ارائه داده اند، قابلیت اقدامات احتیاطی، در ارتباط با موفقیت عملیات‌های نظامی است؛ بنا بر این، چنانچه ضرورت نظامی ایجاب کند رعایت این شرط الزامی نیست. به عبارت دیگر، اوضاع و احوال و ضرورت نظامی، می‌تواند استفاده از هر نوع از هواپیماهای بدون سرنشین را توجیه کند. به نظر نمی‌رسد چنین استدلالی مطابق مقررات حقوق بین‌الملل باشد؛ چرا که ماده ۵۷ (۲) (ب) پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ مقرر می‌دارد: «در صورتی که معلوم شود یک حمله، هدف نظامی نیست یا تحت حمایت خاص قرار دارد یا حمله ممکن است موجب وقوع تلفات جنگی غیر نظامیان، صدمه به غیر نظامیان، خسارت به اهداف غیر نظامی، یا ترکیبی از آنها شود، که می‌تواند بیش از اندازه در ارتباط با پیوستگی یا هدایت مزیت نظامی پیشبینی شده باشد، باید لغو یا تعلیق شود». همچنین رای دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده کوپرشکیچ^۱ در سال ۲۰۰۰، بیان می‌دارد که ماده (۵۷) پروتکل اول الحاقی بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است. با ارجاع به شرط مارتنس، دیوان اظهار می‌دارد: «مقررات... [ماده ۵۷] و بر اساس قواعد عرفی باید به مفهوم مضیق تفسیر شود تا اختیار به حمله احتیاطی متحارب‌ان امکان‌پذیر باشد، تا از این طریق، برای توسعه حمایت از غیر نظامیان، سازگار باشد» (Cite: Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 399). از سوی دیگر، به منظور اجرای اصل تفکیک، هر یک از

^۱ - ICTY, Kupreškić case, Judgement, 14 January 2000, § 525.

طرف‌های درگیری باید هر گونه اقدام احتیاطی ممکن را در گزینش ابزارها و روش‌های جنگی به عمل آورد (AP I, 1977, Art. 57(2)(a)(ii)). بنا بر این، موفقیت عملیات‌های نظامی تنها در صورت انطباق با مقررات حقوق بین‌الملل توجیه‌پذیر است و از مقررات عرفی و قراردادی حقوق بین‌الملل و حتی رویه دولت‌ها خلاف این استنباط نمی‌شود. یکی از بیانیه‌ها و حق تحفظ‌های بریتانیا در خصوص پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی، اعلام می‌دارد که تعهد ذکر شده در ماده ۵۷ (۲) (ب) پروتکل، تنها بر کسانی اعمال می‌شود که «اختیار و امکان عملی برای لغو یا تعلیق حمله را داشته باشند» (UK, Reservations made upon ratification of AP I to the Geneva Conventions of 12 August 1949, section O). چنین بیانیه‌ای دلالت بر این دارد که هر گونه ضرورت یا موفقیت نظامی باید منطبق بر ملاحظات حقوق بشر دوستانه و مقررات آن باشد. بنا بر این، اوضاع و احوال و ضرورت نظامی نمی‌تواند هر گونه استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین را توجیه کند.

نتیجه‌گیری

اگرچه در مورد ممنوعیت این قاعده که استفاده از روش‌ها یا جنگ افزارهایی که باعث صدمات شدید یا رنج و ناراحتی غیر ضروری می‌شوند توافق کلی وجود دارد، اما در مورد اینکه چه سلاح یا وسیله‌ای می‌تواند صدمات شدید یا رنج غیر ضروری وارد کند، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. اینکه بر اساس حقوق مخاصمات مسلحانه استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین مجاز است یا خیر، مستلزم تطابق ویژگی‌های هواپیماهای بدون سرنشین با اصل اساسی تفکیک و قواعد آن است؛ ولی در هر صورت از نظر همه دولت‌ها بکارگیری این هواپیماها باید اهداف حقوق بشر دوستانه را تامین کند. بررسی حقوق بین‌الملل و رویه دولت‌ها نشان می‌دهد که به طور کلی استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در مخاصمات با مانعی مواجه نیست. از آنجا که هواپیماهای بدون سرنشین وسیله هستند نه سلاح، مقررات ناظر بر کنترل تسلیحات بر آنها اعمال نمی‌شود؛ در نتیجه در مضمون حقوق مخاصمات، این هواپیماها به عنوان وسیله یا در راستای روش جنگی بکار گرفته می‌شوند. از بررسی مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه چنین بر می‌آید که به طور

مطلق نمی‌توان مدعی شد که هر گونه بکارگیری این هواپیماها اصول حقوق بشر دوستانه از جمله قاعده تفکیک را نقض می‌کند یا خیر. بلکه بسته به جهتی که بکار گرفته می‌شود، بسته به جایی که بکار گرفته می‌شود و بسته به مأموریتی که دارد، بر اساس توانایی‌ها و محدودیت‌هایی که یک هواپیمای بدون سرنشین دارد می‌تواند ناقض اصول حقوق بشر دوستانه یا مطابق با آن باشد. بر بنیان همین تحلیل، بر اساس ویژگی‌های یک هواپیمای بدون سرنشین، چنانچه هواپیمای بکار گرفته شده در مخاصمات، با روش از پیش برنامه‌ریزی شده که هواپیما قادر به تجدید نظر در کارهای خود نیست، باشد؛ خواه اصول حقوق بشر دوستانه نقض شود یا خیر، چنین استفاده‌ای نقض حقوق بین‌الملل و بر خلاف حقوق بشر دوستانه محسوب می‌شود؛ زیرا چنین هواپیمایی ماهیتاً قادر به رعایت اصل تفکیک نیست. اما چنانچه استفاده از هواپیما با روش کنترل از راه دور که ارتباط دائم و همزمان میان عملیات هواپیما با خلبان و عاملان پرواز برقرار است، باشد، به نظر می‌رسد صرف چنین استفاده‌ای مغایر با اصول حقوق بشر دوستانه نباشد.

منابع و مأخذ

- ۱- آرمایی، نیل (۱۳۸۷). "پهپاد جنگی: فناوری و جنگ در عصر مدرن"، ترجمه حسین شکوهی، ماهنامه نگرش راهبردی، شماره ۹۹، صص ۱۴۹-۱۷۲.
- ۲- آقا جانی، حمیدرضا (۱۳۸۸). "استفاده از پهپادها در عملیات‌های نظامی"، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، سال شانزدهم، شماره ۵۵-۵۴.
- ۳- اکهورست، مایکل (۱۳۷۶). **حقوق بین الملل نوین**، ترجمه بهمن آقایی، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- ۴- شکوهی، حسین و علی همت عندلیبی (۱۳۹۱). "آرایه‌های پهپادی مطلوب در صحنه نبرد نا همگون برای اجرای مأموریت‌های اطلاعاتی"، فصلنامه مدیریت نظامی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۳۴-۱۱.
- ۵- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴). "متدولوژی حقوق بین‌الملل"، مجله پژوهش حقوق و سیاست، (ویژه حقوق) سال هفتم، شماره ۱۶-۱۵، صص ۱۳-۸.
- ۶- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۲)، **حقوق بین‌الملل بشر دوستانه**، تهران: کتابخانه گنج دانش و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ.
- ۷- کاظمی، علی اصغر (۱۳۹۴). **متدولوژی حقوق بین الملل**، تهران: نشر قومس.
- ۸- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۸). **بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی (۱-۲)**، تهران: نشر میزان.
- ۹- هنکرتز، ژان ماری و لوئیس دوسوالد بک (۱۳۸۷)، **حقوق بین‌المللی بشر دوستانه عرفی**، جلد اول [قواعد]، ترجمه: دفتر امور بین الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

منابع انگلیسی

- 1- Brownlie, Ian (2003). **Principles of Public International Law**, Sixth Edition, New York: Oxford University Press.
- 2- **Commentary on the HPCR Manual**, (2010). Commentary on the HPCR Manual on International Law Applicable to Air and Missile Warfare, Program on Humanitarian Policy and Conflict Research at Harvard University, Harvard University, Version 2, 2010.
Electronic version available at: www.ihlresearch.org/amw

3- Henckaerts, Jean-Marie and Louise Doswald-Beck (2005). **Customary International Humanitarian Law**, Volume II, Practice, Part 1, Cambridge: Cambridge University Press.

4- ICRC (2005), **Rules of International Humanitarian Law and other relating to the Conduct of Hostilities: Collection of Treaties and other Instruments**, Geneva: International Committee of the Red Cross.

5- Lewis, Michael W. (2012). "Drones and the Boundaries of the Battlefield", **Texas International Law Journal**, Volume 47, Issue 2, pp. 293-314.

6- McDaid, Hugh and David Oliver (1997), **Smart Weapons: Top Secret History of Remote Controlled Airborne Weapons**, New York: Welcome Rain.

7- **Official Records of the Diplomatic Conference on the Reaffirmation and Development of International Humanitarian Law Applicable in Armed Conflicts** (1978). Geneva (1974 -1977), Volume VI, Bern: Federal Political Department.

8- **UK. House of Commons**,(2013). "Unmanned Aerial Vehicles (Drones): An Introduction", Research Paper by: Louisa Brooke-Holland, House of Commons Library, 25 April 2013.

Electronic version available at:

<http://www.parliament.uk/business/publications/research/briefingpapers/SN06493/unmanned-aerial-vehicles-drones-an-introduction>

Acts and Documents

1- **AP I**, 1977. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), Geneva, 8 June 1977.

2- Algeria, Interpretative declarations made upon accession to AP I, 16 August 1989.

Electronic version available at:

http://www.geneva-academy.ch/RULAC/international_treaties.php?id_state=4

3- **H.IV.R**, 1907. Convention (IV) respecting the Laws and Customs of War on Land, The Hague, 18 October 1907; Regulations respecting the Laws and Customs of War on Land.

4- **CWC**, 1993. Convention on the Prohibition of the Development, Prohibition, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on their Destruction, Paris, 13 January 1993.

5- **H. Declaration**, 1899. Declaration concerning Expanding Bullets, The Hague, 29 July 1899.

6- **St. Petersburg Declaration**, 1868. Declaration Renouncing the Use, in Time of War, of Explosive Projectiles Under 400 Grammes Weight, St. Petersburg, 29 November/11 December 1868.

7- Egypt, Declarations made upon signature of the 1998 ICC Statute, 26 December 2000. Electronic version available at:

https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=XVII-I-10&chapter=18&lang=en

8- **H.AW**, 1923. Huga Rules of Air Warfare drafted by Commission of Jurists at The Huga, The Huga, December 1922_February 1923.

9- ICTY, *Kupreškić case*, Judgement, 14 January 2000.

10- Missile Technology Control Regime, **established**: April 1987, Electronic version available at:

<http://www.nti.org/treaties-and-regimes/missile-technology-control-regime-mtcr/> (2015/08/20)

11- UK, Reservations made upon ratification of AP I to the Geneva Conventions of 12 August 1949.

http://www.wipo.int/wipolex/en/other_treaties/details_notes.jsp?treaty_id=281

UN. GA/RES/53/164. RESOLUTION ADOPTED BY THE GENERAL ASSEMBLY, 53/164. Situation of human rights in Kosovo, A/RES/53/164, 25 February 1999. Electronic version available at:

http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/RES/53/164